



۲۰۱۶/۰۲/۱۶



احسان الله مایار

## نادر افغان داستان فرزند مهاجر تا پادشاهی قسمت دوم

سردار اسدالله خان سراج اثر خود را که اساس آن بالای واقعیت ها و اکثر آن بالای چشمدید و حاضر بودن شخص وی در محافل استوار بوده با مقدمه پایین چنین آغاز می کند:



### پیش سخنی بر این رویداد ها و خاطره ها

نحمده و نصلی علی رسوله الکریم. اما بعد، چون پیش کسوتان خاندان اعلیحضرت شهید نادر افغان بنابر پیشآمد های ناگوار سیاسی، بسرزمین یگانه متواری شده بودند، ولادت با سعادت سردار محمد نادر خان فرزند محمد یوسف خان به تاریخ ۲۱ حمل ۱۲۶۲ هـ ش در دیردون هندوستان به وقوع پیوست.

امور آموزش و تربیت ایشان در کودکی زیر نظر والده ماجده شان و والد امجد شان شادروان سردار محمد یوسف خان و جد محترم شان سردار یحیی خان صورت گرفته است. علت متواری شدن خاندان سردار یحیی خان جد اعلیحضرت شهید محمد نادر خان از افغانستان به هندوستان، خون خواهی (سر لیوی کیوناری) سفیر انگلیس بوده که در عهد سلطنت امیر محمد یعقوب خان از جانب قوای استعمارگر برتانیه بالاجبار بالای شان تطبیق شده است. (برای تفصیل موضوع به جلد دوم سراج التواریخ، صفحه ۳۵۳ مراجعه شود).

چون ضیاء الملة و الدین امیر عبدالرحمن خان از حسن سلوک و پابندی این خاندان به مناشیر عالیة اسلامیة و رعایت عُرف و عادت و عنعنات افغانیه آگاهی یافته بودند، در اواخر سلطنت خود دعوتنامه ای به ایشان فرستاد که به وطن برگردند و از حکومت هند تقاضا کرد تا در فراهم کردن تسهیلات سفریه آنان یاری رساند. طبق اسناد تاریخی دودمان نادری در سال ۱۲۸۰ هـ ش مطابق به ۱۹۰۱ م به کابل سرزمین محبوب و مألوف افغانستان وارد گردید. از آغاز ورود لیاقت، تربیت، اهلیت و صداقت جوانان این خاندان به خصوص نادر جوان، گوش و هوش خاندان و اطرافیان و شخص ضیاء الملة و الدین امیر عبدالرحمن خان را به خود جلب کرد. در اثر مساعی خسته ناپذیر و وطن خواهی صادقانه جناب محمد نادر خان و سائر شخصیت های خاندانی شان، این دودمان مورد اعتبار و اعتماد ضیاء الملة و الدین قرار گرفت. چنانچه سردار محمد آصف خان و سردار محمد یوسف خان در مقام مصاحبان دائم الاوقات شهزاده حبیب الله خان عز تقرر یافتند و بعداً حضرت عالیشان سردار

محمد هاشم خان در مقام نایب سالار نظامی هرات و سردار محمد سلیمان خان در جایگاه نایب الحکومگی هرات تقرر حاصل کردند. از میان جوانان این دودمان برادران سپهسالار سردار شاه ولی خان به حیث رکاب باشی حضور، جناب سردار شاه محمود خان به حیث سروس و احمد علی خان نواسه عم سپهسالار به حیث سرخان اسپور حضور احراز مقام کردند.

اساس چنین اعتماد بر این خاندان پابندی آن به اوامر دین حضرت سید المرسلین و صداقت با شهریار مسلمین، محبت و وفاداری با وطن، با خبری از چگونگی اوضاع مملکت و ملت و احترام به عنعنات و بزرگان جامعه اسلامی افغانستان بود.

علاوتاً صبیحه فاضله سردار محمد یوسف خان خواهر سردار محمد نادر خان که صاحب تربیت و آموزش و زبانان با سویه در تحریر و تقریر بودند، بنا بر اصرار و رجاء مکرر والده و خواهر سراج المله والدین و شخص امیر به خاطر تحکیم مزید ارتباط سلسله نسبی، در حباله نکاح سراج المله والدین درآمدند و به لقب "علیا جناب" مفتخر گردیدند.

دودمان عالی نادری در جنب جایگاه رفیعه نسبی از برکت فراست درایت و صداقت و احساس وطن دوستی مورد اعتماد شاه و احترام عامه مردم افغانستان قرار گرفتند و سرانجام دروازه های ارتقای مقام و پیشرفت به روی شان گشاده شد. نادرشاه که ستاره دودمان و مفخر همگان بود در نتیجه کارائی بلند و نبوغ فطری و خداداد خود در مدت کوتاهی از سوی امیر در سال ۱۲۸۲ هـ ش به منصب زرمشری (کندک مشری) در اسپور اردلیان حضور منصوب گردید. در سال ۱۲۸۴ هـ ش به منصب برگدی (غند مشری)، در سال ۱۲۸۷ هـ ش به مقام جرنیلی (فرقه مشری) حضور عز افتخار یافتند. در سال ۱۲۹۱ هـ ش جناب جنرال محمد نادر به خاطر سرکوب بغاوت منگل و اعاده امنیت به ولایت جنوبی در اثر مطالبه مردم از سوی امیر حبیب الله خان به مقام نایب سالاری عز تقرر حاصل کردند. سپس در نتیجه خدمات گسترده و رفیعه در سپاه شهریاری مورد تقد سراج المله والدین امیر حبیب الله خان انارالله مرقد به تأریخ سه شنبه ۲۱ ماه رجب ۱۳۳۲ هـ ق به مقام جلیله سپهسالاری سرافرازی یافتند. (مراجعه شود به صفحه ۸، ۹ و ۱۰ شماره ۲۱ سال سوم سراج الاخبار افغانیه).

دوران حکمرانی اعلیحضرت امان الله خان غازی و عیب جویی از یاران نو به دولت رسیده به شهریار جوان، و حساس برای سپهسالار محد نادر خان و خاندانش خالی از دشواری نبود. لیکن هوشیاری، خون سردی و پابندی به مصالح علیای وطن سپهسالار را در غلبه بر مشکلات نا همواری ها و ناگواری ها فایق می کرد. با اینکه دفع دسایس و توطئه های اطرافیان دربار برای سپهسالار دشوار بود ولی عقل بزرگ و حسن مساعی، دیانت و وطن دوستی بی شائبه، ایشان را به اوج شهرت و محبوبیت رسانید. پیروزی سترگ در معركة ۱۹۱۹م استقلال وطن بالاترین ذروه افتخار بود که به ندرت در رستاخیز مردم نصیب یک قهرمان می گردد. او با رشادت و فراست بی نظیر خود در جبهه جنوبی مساعی قطعات اردو و رشادت تفنگداران ملیشای قبایل سرحدی را چنان بهم آمیخت که موجب سقوط "تل": تسخیر "وانه"، "سروکی"، "پیوار" و "خرلاچی" گردید و عقب نشینی قوای "دکه"، "شینوار"، "باسول" و "بتی کوت" را در شرق کشور تلافی کرد و دولت استعماری انگلیس را از قیام عمومی قبایل سرحدی در هراس انداخت.

اعلیحضرت امان الله خان، که افتخار و مباحات آزادی افغانستان با نام نامی شان پیوستگی جاودانی دارد خدمات وطن پرستانه و تلاش صادقانه سپهسالار غازی محمد نادر خان را بهای بزرگ گذاشته او را در بازگشت به کابل چون یک هیروی بزرگ و فاتح استقبال کردند و علاوه بر اعطای نشان "المر اعلی" و ارتقای منصب و جاه به اعمار منار استقلال که به نام نامی سپهسالار پیوند ابدی دارد مفتخر گردانیدند.

اعلیحضرت امان الله خان، سپهسالار غازی وزیر حربیه محمد نادر خان را در اواخر ۱۲۸۹ هـ ش به غرض بی نظمی ایکه از اثر سوء اداره زعمای مشرقی در آن ولایت رخ داده بود، به غرض بر قراری مجدد نظم و نسق با تفویض صلاحیت عام و تام مأمور فرموده و به آن ولایت فرستادند.

سپهسالار غازی با اتخاذ تدابیر وسیع عازم جلال آباد شده تنسيق امور را بر شالوده تنظیمات نظامی و اصول ملکی مقرر فرموده، ضبط عساکر و تنظیم سرحدات و حفر سنگرها و ایجاد استحکامات جنگی و جابجا کردن سربازان اردو و قوای قومی را در آن ولا با درایت و حسن تدابیر انجام دادند و در پایان مأموریت خود در مشرقی، به خاطر حفظ روح یگانگی مردم و اشتراک دادن ایشان در امور کشوری تشکیل جرگه عمومی ای را به نام "اتحاد مشرقی" سازمان دادند و چون از تطبیق اصلاحات نظامی، اداری و اجتماعی در مشرقی فراغت یافتند، حسب الامر اعلیحضرت غازی امان الله خان و اصرار محمود بیگ طرزی عازم کابل شدند (نادر افغان، جلد اول صفحه ۲۲۰).

جناب سپهسالار محمدنادر خان بعد از تنسيق و تنظیم امور وزارت حربیه و انجام مساعی جمیله و مهم در معاهده استقلال افغانستان (نادر افغان جلد اول، ص ۲۳۰)، بمنظور اصلاحات امور و فراهم آوری اداره قوی و اسباب رفاه و ترقی مردم قطغن و بدخشان عز تقرر حاصل کردند. ایشان حسب دستور اعلیحضرت غازی امان الله خان هیئت معیتی خود را معرفی نمودند. در آن جمله برادر وطن خواه خود شاه محمود خان جنرال نظامی حاکم اعلای جنوبی را و سردار احمدعلی خان نواسه عم شان را که در مصاحبت پادشاه بودند برگزیدند و به حیث وکیل در وزارت حربیه برادر خود سردار محمدهاشم خان نایب سالار حاکم اعلای مشرقی را انتصاب نمودند.

ورود سپهسالار در آن وقت به قطغن و بدخشان که وضعیت آن بنا بر دشواری های همان وقت متقاضی یک شخصیت جامع، و وطن خواه بود، چون آب حیات بر تشنگان فرود آمد. سپهسالار در اصلاحات و اجراءات خود از محبت و همکاری وسیع مردم نجیب و ترقی خواه قطغن و بدخشان مستفید گردید و تمام تجارب خود را در خدمت اصلاح امور، تنظیم اداره و فلاح خلق الله گذاشتند. ایشان کتاب مفصلی را به حیث رهنمای قطغن و بدخشان به رشته تحریر آوردند که نمایانگر فرهنگ و وضعیت اقتصادی و پیداوار این سرزمین می باشد.

سپهسالار در بازگشت از قطغن و بدخشان در روابط خود با اعلیحضرت امان الله خان دچار مشکلات و بن بست گردید. مقابله با شاهیکه آزادی کشور را اعاده کرده و مردم را به شاهراه ترقی و آزادی هدایت می کرد، مطبوع حضور سپهسالار نبود، لیکن با اصلاحاتی که از سلیقه شاه جوان ولی تندرو منشأ می گرفت و به حرف پیر هرات قبل از وقت و مزید بر ضرورت بود، سازش کردن نیز آسان نبود.

پیر هرات فرموده بودند: "عیب ما در آنست که از وقت پیش می خواهیم و از حد بیش". سپهسالار با تقلیل معاش عسکری که مصدقین آن دلایل لاطائل در مورد آن اظهار می کردند، مخالفت می کرد و جانبدار دلجویی افراد و درجه داران نظامی بود. سپهسالار همچنان بر رعایت امور مذهبی و روحیات ملی پافشاری می کرد، عدم توجه

به اتحاد ملی و برخورد ضعیف به امور سرحدی، عدم توجه به اعمار و مراقبت جاده های کشور و تحقیر و تکدیر روحانیون را باعث بی اعتبار شدن نظام در میان مردم می دانست.

ادامه مبارزه به خاطر این مفکوره ها در سال های ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ هـ ش سپهسالار را با شخص اعلیحضرت امان الله خان و سران دولتی آن وقت در اختلاف و تنازع قرار داد که عاقبت الامر موجب سوء تفاهم و جدایی بین اعلیحضرت غازی و سپهسالار عالیشان گردید.

آخراً امر سپهسالار در برج قوس ۱۳۰۲ از مقام وزارت حربیه کابینه امانی به اعلیحضرت امان الله خان استعفی تقدیم کرد. (نادر افغان جلد اول ص ۲۹۱ و امان افغان سال پنجم تاریخی ۱۴ اسد صفحات ۶ و ۷).

سپس اعلیحضرت با اصرار سپهسالار غازی و به علت علالت طبع شان، استعفای شانرا منظور و طبق تقاضای شان به مقام وزارت مختاری افغانستان در فرانسه مقرر فرمودند و به عوض شان محمد ولی خان دروازی را به وزارت حربیه مقرر کردند. (امان افغان شماره اول سال پنجم، مورخ ۲۸ حوت ۱۳۰۲ هـ ش).

سپهسالار غازی هنگام اجرای وظیفه در سفارت افغانستان مقیم فرانسه و بلژیک به منظور تأمین عزت و شرافت مملکت و سعادت افغانان به انواع مشکلات روبرو می شد ولی صبورانه و پشت کار آنرا تحمل می کرد. لیکن از طرف زعمای آنوقت (در کابل) توجهی به آن صورت نمی گرفت و حتی به اطلاع شاه رسانیده نمی شد (اخبار حقیقت کابل، شماره ۳۹، مؤرخ ۲۰ عقرب ۱۳۰۳).

سردار محمد هاشم خان برادر سپهسالار که از وزارت مختاری افغانستان در ماسکو سبکدوش شده بود و سردار شاه ولی خان که از کابل به پاریس رسیده بودند، به تیمارداری سپهسالار غازی که تنها و رنجور در شهر "نیس" جنوب فرانسه به سر می بردند، پرداختند.

بنابر تحلیل اوضاع افغانستان هر سه برادر دانشور به این قرار رسیدند که عده ای از مغرضین طوری اطراف شاه را احاطه کرده اند که عرائض سودمند وطنخواهان صادق به گوش اعلیحضرت نمی رسد و مؤثر واقع نمی شود بنا بر آن لازم است که از کار حکومت کناره گیری کنیم تا وسیله مزید غلط فهمی و شکر رنجی بین ما و شخص اعلیحضرت نشود. بناءً سپهسالار غازی محمد نادر خان و برادران شان در سال ۱۳۰۵ هـ ش، از مشاغل رسمی دولتی دست بردار شدند (نادر افغان جلد اول، صفحات ۳۱۰-۳۱۲) و جناب محمد نادر خان به تاریخ ۲۰ ماه نومبر ۱۹۲۶ م استعفی نامه رسمی و اعلان کناره جویی خویش را از امور رسمی حکومت امانی کتباً و تلگرافاً ابلاغ کرد (جلد اول امان افغان ص ۱۱۳).

تند روی های اعلیحضرت امان الله خان بعد از سفر اروپا موجب عدم رضائیت رعایا شده و سبب اشتعال مردم گردید. نخستین سرکشی به ۱۴ عقرب ۱۳۰۷ در سنگوخیل شینوار آغاز شد و به سرعت تمام مشرقی را در خود پیچید تا بالآخره منجر به بیرون شدن اعلیحضرت امان الله خان از افغانستان گردید.

این بود خلاصه معلوماتیکه از زندگی و کار اعلیحضرت شهید محمد نادر شاه مستند بر مشاهدات، خاطرات ثبت کتب و جراید و یادداشت های شخص خودم در این اثر جمع آوری شده است. خداکند مورد استفاده خوانندگان ارجمند قرار بگیرد. والله ولی الامور علیه توکلت و الیه انیب. اسدالله سراج

پایان بخش دوم

ادامه دارد